

زهرا خواجهویی نژاد

«بی‌جان» نام دختری افغانستانی ساکن سیرجان است که با هزاران آرزو راهی خانهی بخت می‌شود اما عمر خانهی بختاش به یک روز بیشتر نمی‌کشد. حالا بعد از ۱۰ سال داستان‌اش سوز یک فیلم می‌شود؛ مستندی که هفته گذشته در پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران (سینماحقیقت) اکران شد و توانست جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران به خود اختصاص دهد. مستند بی‌جان اولین مستند پژوهشی نرگس جوگی و ایمان پاک‌نهاد زوج روزنامه‌نگار است که موفق شدند یک اتفاق جیبی و فراموش شده را به بهترین شکل ممکن به تصویر بکشند. مستندی که در سیرجان فیلمبرداری شده و موفق شد نشان فیروزه بهترین صدابردار، صداگذار و تهیه‌کننده را از آن خود کند. ایمان پاک‌نهاد یکی از تهیه‌کنندگان این مستند در گفت‌وگو با نشریه پاسارگاد از فرآز و نشیب‌های کاریش گفت. او تأکید کرد: «آن چیزی که ما را وادار کرد به سرآغاز این سوز، پروریم، اتفاقی بود که در طول این سال‌ها بعد از آن محله چه افغان و چه ایرانی کردند تا یاد دخترچی‌های بی‌گناه شود و همیشه در یادها بماند و آماده‌بودن پرورش یادبودی در جایی که به قتل رسیده بود درست کرده بودند که موسوم به یزدا رنگه‌ها است.» او معتقد است: سخت‌ترین قسمت ساخت این مستند ارتباط برقرار کردن با خانواده بی‌جان بود.

چرا اولین مستندان به سرآغاز سوز و بخت برنگیز و تاوی قتل‌های ناموسی و کودک‌همسری رفتید؟

هماطور که می‌دانید من و نرگس جوگی سال‌هاست روزنامه‌نگاری می‌کنیم و بیش از این هم در مورد چنین سوزهایی مثل کودک‌همسری و آسیب‌های اجتماعی دیگر نوشته‌ایم. بنابراین اطلاعاتی نسبی در مورد این دست سوزها داشتیم. سوزی این مستند را هم از طریق همکاران سیرجان‌مان پیدا کردیم. گزارشی از خانم سرجمی در نشریه سخن تازه منتشر شده بود با تصویر دیواری خراب با چندتا شاخه درخت که پارچه‌هایی به آن گره زده شده بود و چند زن در حال دعا بودند. گزارش از خوانندیم و فکر کردیم این اتفاقی که پس از ده سال ماندگار شده موضوع مناسبی برای ساخت مستند است. تحقیق را شروع کردیم. این خانواده از مهاجران افغانستانی بودند. با کمک همکاران روزنامه‌نگار سیرجانی در نشریه پاسارگاد تحقیقات بیشتر را ادامه دادیم تا به خانواده و ابعاد مختلف موضوع برسیم. با کمک این دوستان که روزنامه‌نگاران متجربی بودند یله‌ها جلو رفتیم و توانستیم با این خانواده ارتباط بهتری بگیریم و نزدیک‌تر شویم. در نتیجه در صحنه فیلمبرداری دیگر حضور دوربین را حس نمی‌کردند و ما چیزی از خانواده‌شان شده بودیم. درست می‌گویید که این موضوع از سوزهای تالیو در کشور است ولی فضای کار برای مستند با فضایی مطبوعات تفاوت‌هایی دارد. هم از این نظر که هر کدام کارکردی دارند که گاهی ممکن است سبب شود محدودیت‌ها در

تحقیقاتتان چقدر زمان برد؟

حدود نه ماه طول کشید و در دو مرحلهی ضروری و سفر به سیرجان تحقیقات میدانی‌مان انجام شد و تحقیقات کتابخانه‌ای و آرشیوی‌مان در تهران ادامه داشت. ما نشریات را در آرشیو جست‌وجو کردیم تا ببینیم در مورد این اتفاق چه نوشته‌اند. وکیل پرونده را پیدا کردیم با داستان پرونده مصاحبه کردیم تا تناقض‌هایی که وجود داشت از بین رفت و به اصل موضوع رسیدیم و بعد وارد مرحلهی تولید و فیلمبرداری شدیم.

با توجه به اینکه خانواده‌ای که این اتفاق در آن رخ داده بود از مهاجران افغانستانی بودند برقراری ارتباط با توجه به تصمیماتی که دارند، سخت نبود؟

اگر ما توانستیم ارتباط خوبی با این خانواده بگیریم دلیلش شاید به سابقه روزنامه‌نگاری ما برمی‌گردد چون روزنامه‌نگاران همیشه در شغل‌شان با سوزهای سخت، آدم‌های سخت مواجه هستند که جز با تمرین و استمرار و سخت‌کوشی و حوصله نمی‌توانند ارتباط مناسبی برقرار کنند. در واقع هر چند تجربه‌تان بیشتر شود راحت‌تر می‌توانید شیوه‌های مختلف را پیدا کنید و با سوزها ارتباط بگیرید. این تجربه‌ی ما در روزنامه‌نگاری خیلی بهمان کمک کرد که بتوانیم با این خانواده ارتباط بگیریم. البته واقعا کار سختی بود.

در مورد ماجرای مستند هم توضیح دهید؟

ماجرای بی‌جان در مورد یک دخترچی‌های ۱۳ ساله‌ای است که با اجبار خانواده با مردی بزرگتر از خودش ازدواج می‌کند و فردای عروسی به دست یکی از اعضای خانواده‌اش به قتل می‌رسد. ولی این دقیقاً موضوعی نبود که ما می‌خواستیم به سراغش برویم آن چیزی که ما را وادار کرد به سرآغاز این سوز، پروریم اتفاق بود که در طول این سال‌ها بعد از این ماجرا افتاده بود و آن هم کاری بود که دیگر زنان آن محله چه افغان و چه ایرانی کردند تا یاد دخترچی‌های بی‌گناه شود و همیشه در یادها بماند. آنها یادبودی برای دخترک در جایی که به قتل رسیده بود درست کرده بودند که صورت‌های مختلف حفظ شده بود و زنان می‌فروختند به یاد بی‌جانی آنها فاتحه می‌خواندند و نذر می‌کردند. بطور کلی این نظر ما این حرکت یک کنش اجتماعی از سوی زنان بود که بصورت ناخودآگاه شکل گرفته بود تا هر کسی که از آنجا رد می‌شود با کمی پرس‌وجو متوجه شود که دخترچی‌های بی‌گناه بر سر مسائل ناموسی به قتل رسیده و یادش نباید فراموش شود.

تحقیقاتتان چقدر زمان برد؟

حدود نه ماه طول کشید و در دو مرحلهی ضروری و سفر به سیرجان تحقیقات میدانی‌مان انجام شد و تحقیقات کتابخانه‌ای و آرشیوی‌مان در تهران ادامه داشت. ما نشریات را در آرشیو جست‌وجو کردیم تا ببینیم در مورد این اتفاق چه نوشته‌اند. وکیل پرونده را پیدا کردیم با داستان پرونده مصاحبه کردیم تا تناقض‌هایی که وجود داشت از بین رفت و به اصل موضوع رسیدیم و بعد وارد مرحلهی تولید و فیلمبرداری شدیم.

با توجه به اینکه خانواده‌ای که این اتفاق در آن رخ داده بود از مهاجران افغانستانی بودند برقراری ارتباط با توجه به تصمیماتی که دارند، سخت نبود؟

اگر ما توانستیم ارتباط خوبی با این خانواده بگیریم دلیلش شاید به سابقه روزنامه‌نگاری ما برمی‌گردد چون روزنامه‌نگاران همیشه در شغل‌شان با سوزهای سخت، آدم‌های سخت مواجه هستند که جز با تمرین و استمرار و سخت‌کوشی و حوصله نمی‌توانند ارتباط مناسبی برقرار کنند. در واقع هر چند تجربه‌تان بیشتر شود راحت‌تر می‌توانید شیوه‌های مختلف را پیدا کنید و با سوزها ارتباط بگیرید. این تجربه‌ی ما در روزنامه‌نگاری خیلی بهمان کمک کرد که بتوانیم با این خانواده ارتباط بگیریم. البته واقعا کار سختی بود.

گفت‌وگوی پاسارگاد با ایمان پاک‌نهاد تهیه‌کننده و کارگردان مستند «بی‌جان»

بی‌بی‌جان فراموش نمی‌شود



نمایی از پشت‌صحنه مستند «بی‌بی‌جان» در سیرجان

در واقع می‌توانم بگویم دشوارترین بخش ساخت این مستند ارتباط گرفتن با این خانواده بود که در نهایت شکل گرفت و توانستیم کار را جلو ببریم ما همواره در ارتباط با افرادی که در کار با آنها زور می‌شویم به خودمان یادآوری می‌کنیم که این ارتباط باید برابر باشد و به هیچ‌وجه آدم‌های مقابل ما نباید احساس بیگانگی با ما داشته باشند و نگاه باید کاملاً برابر انسانی باشد. ما مایور داشتیم که با وجود چنین اتفاق تلخی ما به دنبال یک مقصد مشخص نمی‌کردیم و می‌خواهیم بفهمیم که چه چیز باعث می‌شود تا نگاه خانواده‌جماعه‌ای تحت‌تأثیر باور غلط خود و خانواده‌اش را قربانی کند.

در این مستند بیشتر از اینکه روی قتل بی‌بی‌جان تمرکز شود بیشتر روی جنبه‌های دیگر این اتفاق توجه شده است، چرا؟

برای اینکه موضوع مهم برای ما موضوع قتل نبود و مهم برای ما کنش اجتماعی بود که توسط زنان شکل گرفته بود. این برای ما یک نقطه‌ی روشن در این ماجرای تلخ و سیاه بود؛ اینکه چند نفر می‌توانند جمع شوند و به دور از هرگونه هیاهو و ایجاد خبری یا اینکه بخوانند کارشان را عرضه کنند، خودجوش و ناخودآگاه دست به کاری بزنند که کسانی

که حتی از این ماجرا خبر نداشتند هم با این یادبودی که برای بی‌بی‌جان ساختند خاطره‌ی گناه بودن این دختر بچه برای‌شان زنده‌بماند.

تفاوتی که مستند شما با سایر مستندهایی که در زمینه‌ی قتل‌های ناموسی ساخته‌می‌شود داشته‌این بود که شما از قاتل یک تصویر آرام و ساده ارائه می‌دید

تصویری که اصلاً وحشتناک نیست، چرا؟
به یک دلیل ساده چون که این آدم واقعا هیولان نبود و به اعتقاد ما این آدم خودش قربانی بوده، جدای از اینکه فعل و وحشتناک قتل را انجام داده بود این آدم متناظر از باورهای غلط در خانواده و جامعه، قوانین نامعادلانه... بود در تالی باید این را در نظر داشته باشیم که زمانی این اتفاق افتاده بود این آدم ۲۰ ساله بوده است، از طرفی خود مهاجرت عاملی می‌شود که آدم به آشفنگی برسد و نتواند تصمیم درستی بگیرد. در نهایت منظور این است که از نظر ما تنها یک فرد گناهکار نیست هر چند همان‌طور که قانون تشخیص داده‌او در این اتفاق مجرم بوده و دستگیر شده است اما نمی‌توانیم این را ندیده بگیریم که در واقع جامعه هم مقصر است و قوانین و باورهای نادرست و غلط است که می‌تواند یک نفر را

به اینجا برساند. واقعا هم در طول مدتی که با این خانواده در ارتباط بودیم و هنوز هم هستیم ما این آدم را هیولان ندیدیم و خودش در فیلم اعلام می‌کند که من تحت‌تأثیر چیزهای دیگری این کار را انجام دادم و نفهمیدم چه شد این اتفاق رقم خورد.

البته این بشیمانی در کلدم‌اش کاملاً مشهود است...

بله. این آدم قبل از اینکه زندان برود کار می‌کرد و بیل به دست بود و بعد از اینکه از زندان بیرون می‌آید هم باز به سر کار برمی‌گردد و بیل دست می‌گیرد. البته این نافی عملگرذ فوجیع این آدم نیست، یعنی در نظر داشته باشید این فرد بطرز فجیعی یکی از عزیزانش را را به قتل رسانده است ولی او به تنهایی خودش مقصر نیست و عوامل خیلی بزرگتر و پیچیده‌تر دست به دست هم می‌دهند که این اتفاق رخ دهد و ما می‌پنیم که متأسفانه او گرفتار این باورها است.

یکی دیگر از کارکردهای این مستند مادر بی‌بی‌جان هست که انگار دور قربانی داشته است از یک طرف دختر جوانش به قتل می‌رسد از طرف دیگر قاتل یکی از اعضای خانواده‌اش هست، در مورد این شخصیت هم توضیح

دیده‌ی

مادر یکی از شخصیت‌های خاص این مستند بود، به این دلیل که هم دخترش را از دست داده بود و یابندیکی دیگر از اعضای خانواده‌اش را یا می‌بخشید یا می‌خواست برایش تقاضای قصاص کند. ولی بخشید به این دلیل که او هم در محیطی بزرگ شده که مرد همه‌کاره زندگی است، سرپرست محسوب می‌شود و ناتوجه به اینکه قاتل قصاصی ما خودش ۵ تا بچه داشت و بچه‌هایش سرپرستی نداشتند که از آن‌ها نگهداری کند. این مادر او را می‌بخشد. در ابتدا کمی سخت بود رابطه گرفتن با مادر و اینکه راضی شود جلوی دوربین بیاید و حرف بزند در مورد چیزی که کل اعضای خانواده ده سال بود در مورد آن حرفی نزده بودند. جالب است همه‌ی اعضای خانواده مستقیم رو به دوربین دارند در مورد این ماجرا حرف می‌زنند و اعلام می‌کنند ما تا الان در مورد این موضوع حتی باهمدیگر هم حرف نزدیم.

ساخت این مستند چقدر در بهایی بغض فروخورده این خانواده که سال‌ها راجع به آن سکوت کرده بودند تأثیر داشت؟

به هر حال همیشه حرف‌زدن در مورد جامعه‌ای که در دل آدم هست، او را راحت‌تر می‌کند و آدم از یک چیزهایی خلاص می‌شود من نمی‌دانم در مورد این خانواده صرفاً این اتفاق افتاده است یا خیر، اما اینکه حاضر شدند هم‌شان رو به دوربین در مورد این اتفاق حرف بزنند احتمالاً چنین بهایی‌ای برای‌شان اتفاق افتاده است.

واکنش سایر افغانستانی‌ها راجع به این اتفاق و مستند چه بود؟

با توجه به اینکه فیلم زمان محدودی برای اکران داشته وقت کافی برای نشان دادن واکنش‌ها نبوده است. باید در موردش حرف زده شود ولی خود افغانستانی‌ها که همسایه این خانواده بودند نظرشان حداقل جلوی ما این بود که این اتفاق وحشتناکی بود و نباید این اتفاق رخ می‌داد، اینکه بدون پرس‌وجو و یک شنبه یک نفر را به قتل برسانی ناشی از ناآگاهی است. عقلا واکنشی نسبت به این مستند از سوی آن‌ها نداشته‌ایم. باید صبر کنیم ببینیم بازخوردها چگونه خواهد بود. از طرفی در این فیلم مقصود ما این نبوده که این اتفاق فقط در کشور افغانستان رخ می‌دهد چرا که می‌دانیم که این مساله اجتماعی در هند و پاکستان و بنگلادش و ترکیه و بریتانیا و کشور خودمان هم رخ می‌دهد بنابراین همان‌طور که گفتیم انگیزه ما برای ساخت این مستند حرکتی نشأت گرفته از زنان بود که برای گرامیداشت و مهدردی با یکی از قربانیان انجام‌دادند.

با توجه به سابقه‌ی روزنامه‌نگاری‌تان و با توجه به اینکه در اولین مستندان سرآغاز قتل‌های ناموسی رفتید به نظران ریشه‌ی همه‌ی این اتفاقات چه مسائلی هست؟

من نمی‌توانم جواب این سوال را بدهم، چون باید کسانی که کارشان هستند جواب بدهند ما کارمان نشان روز از تاریخ انتشار و الصاق این آگهی چنانچه کسی به تقاضای نامبرده معترض است، اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد سیرجان تسلیم و از تاریخ تسلیم طرف مدت ۱ ماه درخواست اعتراض بر ثبت به مرجع صالح قضایی تسلیم و گواهی مربوطه را به اداره ثبت اسناد سیرجان ارایه نمایند. چنانچه ظرف مدت ۲۰ روز از انتشار آگهی اعتراض نرسد و یا معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعتراض گواهی تنظیم دادخواست به مرجع صالح قضایی را ارایه نمایند سند مالکیت به نام متقاضی صادر و تسلیم می‌گردد. ۱۳۵۷.م.الف تاریخ انتشار: دوشنبه ۲۹/۰۹/۱۴۰۰

دادن آسیب‌هاست و ارائه راجل با ریشه‌یابی این ماجرا در حیطه وظایف کارشناسان است. امیدوارم یک روز بتوانیم این فیلم را در حضور کارشناسان این حوزه نمایش بدهیم البته که سال‌هاست در این مورد داد صحبت می‌شود اما با توجه به قوانین فعلی که در ایران وجود دارد خیلی به نتیجه‌نرسیده است و امیدواریم روزی قوانین بازآرنده و واکاوی ریشه‌ی اساله کمی به کاهش چنین اتفاقاتی کمک کند.

مستند بعدی‌تان در چه حوزه و با چه موضوعی خواهد بود؟

ساخت مستند در قصد داریم همچنان ادامه دهیم. سوزهایی هم برای کار بعدی داریم. متأسفانه مساله فسط داشتن سوزی نیست و الان با توجه به هزینه‌هایی که وجود دارد ساخت یک مستند حتی با عوامل کم مثل یک فیلمبردار، صدابردار و یک کارگردان هزینه‌های سرسام‌آوری دارد. اگر بتوانیم هزینه‌ها را تا همین کنیم به این کار ادامه می‌دهیم.

بعد از اکران فیلم بی‌بی‌جان، خانواده‌اش آن را مشاهده کردند؟

دلمان می‌خواست که شخصیت اول فیلم را که نقش عمده‌ای در زنده نگه داشتن یادبود بی‌بی‌جان داشت در اکران اول فیلم دعوت کنیم ولی متأسفانه ایشان فوت کردند و او را از دست دادیم و نشد که در حضور خانواده این فیلم را اکران کنیم. حنس می‌زنیم دیدن این فیلم برای آنها که چند ماهی است دوباره عزا دار شدند سخت باشد.

دو تا از فیلم‌های جشنواره حقیقت امسال از سیرجان بود. در مورد این موضوع هم توضیح دهید؟

بعد از فیلم‌های جشنواره امسال از شهر سیرجان بود و از این باب واقعا می‌خواهیم بهتان تبریک بگویم. این‌ها از نظر من نشأت گرفته از کار فوی روزنامه‌نگاران این شهر است مثلاً در همین فیلم ایستوود چندتا پلان داریم که نشریه پاسارگاد را نشان می‌دهد اینکه سوزهای فیلم دارد این نشریه را می‌خواند پس معلوم است که در فیلم تأثیرگذار بوده است، این نشان می‌دهد همه‌ی کارهایی که روزنامه‌نگاران سیرجان انجام می‌دهند انعکاس خوبی هم در شهر خودش و همه کشور دارد.

فیلم بی‌بی‌جان بهترین فیلم از نگاه تماشاگر انتخاب شد، در این مورد هم توضیح دهید؟

دربافت جایزه بهترین فیلم جشنواره از نگاه تماشاگر برای ما باعث افتخار است و شاید این توجه به این دلیل که نشان می‌دهد جامعه چقدر روی این مسائل حساس است. موضوع قتل ناموسی و کودک‌همسری برای جامعه خیلی مهم بوده که به فیلم ما توجه نشان دادند. فیلم بی‌بی‌جان در سه بخش نامزد شده بود: بهترین کارگردانی فیلم کوتاه، بهترین صدابرداری و بهترین موسیقی، اما در مجموع صداگزار و صدابردار فیلم، بلنداد افشار و میثم حسلو و ما به عنوان تهیه‌کنندگان فیلم نشان فیروزه دریافت کردیم و امیدواریم این باعث شود با انگیزه و وسواس بیشتری به سرآغاز بعدی برویم.

آگهی رای هیات
در اجرای ماده قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید عرضه مسکن بدینوسیله به اطلاع می‌رساند در اجرای این قانون طبق بند ۲ ماده ۱ این قانون
۱- مورد تقاضای محمدعلی بهروری فرزند حمزه به شناسنامه ۱۲۰ کد ملی ۳۰۵۹۶۲۵۹۳۰۷ صادره از سیرجان شش‌دانگ خانه پلاک ۲۶۴۲ فرعی از ۶۵۱۸ اصلی به مساحت ۱۵/۳۵۸ متر مربع که پس از رسیدگی هیات حل اختلاف موضوع ماده ۷ این‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر رای به صدور سند صادر و بدینوسیله به اطلاع عموم می‌رساند ظرف مدت ۲۰

روز از تاریخ انتشار و الصاق این آگهی چنانچه کسی به تقاضای نامبرده معترض است، اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد سیرجان تسلیم و از تاریخ تسلیم طرف مدت ۱ ماه درخواست اعتراض بر ثبت به مرجع صالح قضایی تسلیم و گواهی مربوطه را به اداره ثبت اسناد سیرجان ارایه نمایند. چنانچه ظرف مدت ۲۰ روز از انتشار آگهی اعتراض نرسد و یا معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعتراض گواهی تنظیم دادخواست به مرجع صالح قضایی را ارایه نمایند سند مالکیت به نام متقاضی صادر و تسلیم می‌گردد. ۱۳۵۷.م.الف تاریخ انتشار: دوشنبه ۲۹/۰۹/۱۴۰۰

شرکت پاریز پیشرو و صنعت توسعه

آگهی تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شماره ۰۰۶/۱۴۰۰/م.ع (نوبت اول)

شرکت پاریز پیشرو و صنعت توسعه در نظر دارد «اجرای لوله‌کشی انشعاب خط انتقال آب PE400 میلیمتر از خط GRP700 میلیمتر سیرجان-گل‌گهر به پارک گردشگری سیاه‌کوه (براساس فهرست بهای سال ۱۴۰۰)» را از طریق برگزاری مناقصه عمومی در سطح شهر سیرجان به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه متقاضیان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس الکترونیکی www.parizpishro.ir مراجعه و اسناد مذکور را از قسمت مناقصه و مزایده دانلود نمایند. مهلت تحویل پاکات روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۵ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در سیرجان- محله کوی فرهنگیان- بلوار پیروزی - طبقه همکف- آقای نورمندی می‌باشد. - میزان تضمین شرکت در مناقصه: ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (دویست میلیون ریال) در قالب چک تضمینی بانکی / ضمانت‌نامه بانکی معتبر / واریز وجه نقد به شماره حساب ۱۰/۳۳۰۹۲۱۱/۲ بانک رسالت به نام شرکت پاریز پیشرو و صنعت توسعه.

- این شرکت در قبول یا رد کلیه یا هر یک از پیشنهادات به تنهایی بدون احتیاج به ذکر دلیل مختار می‌باشد.

- مدت اعتبار قیمت پیشنهادی سه ماه از تاریخ گشایش پاکت‌ها می‌باشد.

- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

- متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات فنی بیشتر و بازدید در روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۲ با شماره ۰۹۱۳۲۴۵۵۶۷۶ (آقای دهیادگاری) تماس حاصل نمایند.

- جهت کسب اطلاعات در خصوص مناقصه با شماره ۰۳۴-۴۱۴۲۴۳۲۸-۰۳۴ تماس حاصل نمایید.

امور حقوقی و قرار دادهای شرکت پاریز پیشرو و صنعت توسعه

لحظه‌های خوش‌بختی بدلیلی مبارک
شش‌بیلیون

روابط عمومی شرکت
خظم آوران
صنعت و معدن کل‌گهر (سهایی خاص)